



این زن با اجرای نقشه‌های پیچیده شوهرش را کشت

زن جوان در یک قدمی قصاص

با قطعی شدن حکم قصاص زن جوان که با خوردن قرص‌های مرگ‌آور به شوهرش او را کشته است، بار دیگر به اتهام شروع به قتل از خود دفاع کرد.

این زن متهم است قبلاً نیز با دستکاری ترمز خودروی شوهرش قصد کشتن او را داشته که ناکام مانده است.

تی‌ترها

امدادگران هلال احمر گلستان فرشتگان نجات شدند
گم شدن دایی و خواهرزاده در مه
«مثل چوپان دروغگو شده بود. هر مسیری را که پیشنهاد می داد تا از آن مه‌لکه‌ای که گرفتارش شدند نجات پیدا کنند، به در بسته می خورد.»

وقتی پدر خوابش برد زنگ فاجعه زده شد
مرگ در دناک کودکی در جاده تاریک
زن و شوهر جوان با چشم‌هایی گریان و ناله‌کنان نام فرزندشان را صدا می‌زدند و اندوه بزرگ پدر و مادر داغدار بالای سر پیکر فرزندشان دل‌هریبندده‌ای را ریش‌ریزش می‌کرد.

مرد و یک زن دسیسه قتل فجیعی را طراحی کردند
دعوت به میهمانی مرگ
مرد قزوینی وقتی به خانه دوستش در غرب استان تهران دعوت شد نمی‌دانست پای در قتلگاه خود خواهد گذاشت. سه مرد و یک زن که با کامیون قزوینی را در بهارستان به قتل رسانده و جسدش را منقله کرده بودند با تلاش کارآگاهان زنده جنایی شناسایی و دستگیر شدند.

جوان آرایشگر اصرار به بی‌گناهی دارد
شکار کابوس زنان و مردان شرق تهران
جوان آرایشگر که مدتی در زندان بوده است، کابوس وحشت‌زنان و مردان شرق تهران شناخته شد.

کیفرخواست مرد همسرکش صادر شد
قتل زن جوان روز قبل از دادگاه مهریه‌اش
زن جوان تهرانی روز قبل از رسیدگی به پرونده طلاقش در دادگاه خانواده به قتل رسید.

داستان

کتاب قرمز

یک روز خوب بهاری، «جف» با سروصدای زیادی زنگ بیدارباش را به‌صدا درآورد، همه چه‌ها ابتدا با ترس از خواب پریدند اما وقتی «جف» و «لیزا» خنده‌کنان وارد اتاق بچه‌ها شدند، همه پی بردند که آن روز باید منتظر یک حادثه زیبا باشند. همه چیز زیبا بود، پدر جف ماشین را آماده کرده بود، می‌خواستند سفری به جنگل داشته باشند، همچنان زیادی بین «کردی»، «کارن» و «الیزا» بود، آنها می‌دانستند پدر و مادرشان بهترین روز را برای آنها در نظر گرفته‌اند.



موتور داشتیم و روی موتور کار می‌کردم. مدتی هم در بوتیک دوستم مشغول به کار بودم.
پس انگیزه مالی چندان قوی برای سرقت نداشتم.
اصلاً نمی‌دانم چه شد.

ورزش حرفه‌ای هم می‌کردی؟
بله کشتی گیر هستم و چندین مقام کشوری دارم. مدال طلا، برنز و نقره گرفته‌ام و داشتم کم‌کم برای شرکت در اردوی تیم ملی آماده می‌شدم؛ می‌خواستیم همه تلاش‌ها را بکنیم که در تیم ملی پذیرفته شویم، اما ۲ سال قبل از ورزش دور شدم. من که از صبح تا شب در حال تمرین بودم نمی‌دانم چه شد که یک‌دفعه کارم به اینجا کشیده شد.

حالا باعث شد به جای اردوی تیم ملی از بازداشتگاه سر در بیاوری.
اصلاً لطم نمی‌خواهد به این موضوع فکر کنم، اعصابم به هم می‌ریزد.

راز خالکوبی‌های عجیب و غریب
اسعد ۲۲ ساله و دومین نفری است که با او گفت و گو می‌کنیم.
نقش تو در این باند سرقت چه بود؟
گاهی راکب موتور بودم و گاهی هم ترک دوستم می‌نشستم و گوشی را قاب می‌زدم.
چطور وارد باند سرقت شدی؟
من رنگ کار بودم، پدرم فوت کرده و من و مادرم خرج خانه را می‌دادیم. ۲ خواهر و یک برادر مریض دارم. دوستانم می‌گفتند درآمد خوبی در این کار است، من هم برای کمک به خانواده‌ام، پیشنهادشان را قبول کردم.

درآمد خوبی داشتی؟
هر گوشی را بین یک تا ۲ میلیون تومان می‌فروختیم. حدوداً ۲۰ میلیون سهم من از این سرقت‌ها می‌شد اما دوستانم پول زیادی به من ندادند و فقط مقداری از پول‌ها را موقع گردش خرج کردیم. اصلاً نفهمیدم سهم من چه شد.
یعنی بدون اینکه پول چندان بگیری ۱۰۰ گوشی سرقت کردی؟
بله.

برای احتیاط قمه می‌کشیدیم
تیمور ۲۷ سال دارد و افغانستانی است. او در گفت‌وگو با خبرنگار ما، شیوه و شگرد این سرقت‌ها را توضیح می‌دهد.
در مورد شیوه و شگرد این سرقت‌ها برامان بگو.
در محل جرح می‌زیمم و اگر کسی گوشی به

گفت‌وگو با مرد وحشت‌زده!

یکی از شاکیانی که مورد حمله این باند سرقت قرار گرفته، مرد جوانی است که در مورد روز حادثه می‌گوید: «آن روز کنار خیابان ایستاده بودم که گوشی‌ام زنگ خورد. به محض اینکه گوشی را از جیبم بیرون آوردم، صدای موتور را از پشت سرم شنیدم. در چشم بر هم زدن یکی از راکبان موتور ضربه‌ای روی دستم زد و گوشی را کشید. اصلاً فرصت هیچ حرکتی پیدا نکردم، اما وقتی از من دور می‌شد تصویر خط‌هایی که پشت سرش داشت در ذهنم ماند. مقداری که از من دور شد کمی مکث کرد؛ می‌خواست گوشی یک نفر دیگر را هم سرقت کند اما فرصت پیدا نکرد و فرار کرد.» دختر جوان ۲۲ ساله‌ای که ۳ هفته قبل مورد حمله زورگیران قرار گرفته است، در توضیح روز حادثه به خبرنگار ما می‌گوید: «ساعت ۱۱ صبح روز جمعه بود که داشتم به خانه‌مان واقع در شهرک اکباتان می‌رفتم. در جای خلوتی این ۳ نفر با یک موتور سیکلت سمت من آمدند. آنها جاقو و قمه‌های بزرگی در دست داشتند. یکی از آنها می‌خواست گوشی من را از دستم بگیرد، وقتی دید مقاومت می‌کنم گلویم را گرفت. او داشت خفاه می‌کرد. به حدی گلویم را فشار داده بود که تا چند روز بعد جای کبودی روی گلویم مشاهده می‌شد. بعد هم گوشی را از دستم کشید و فرار کرد. این حادثه به حدی باعث ترسم شده که هنوز هم به تنهایی از خانه بیرون نمی‌روم.»

بازداشتگاه به جای اردوی تیم ملی
اعضای این باند ۳ جوان کم‌سن و سال هستند که یکی از آنها قهرمان کشتی کشوری است و قرار بود برای شرکت در تیم ملی کشتی تست دهد. یکی دیگر از اعضا نیز همان کسی است که خالکوبی‌های عجیب و غریبش زیان‌زد همه شاکیان پرونده بود؛ اسعد نام دارد. سومین نفر هم یک جوان افغان به نام تیمور است که تازه ازدواج کرده و چند ماه دیگر فرزندش به دنیا می‌آید.
گفت‌وگورا با کشتی گیر شروع می‌کنیم. چه شد وارد باند سرقت شدی؟
برای تمرین کشتی از شهرستان به تهران می‌آمدم و خانه‌ای اجاره کرده بودم که در محل با چند جوان دست شدم. آنها پیشنهاد دادند با هم گوشی‌هایی بکنیم و من برای اینکه خرج و مخارج گردش در مدتی که تهران هستم تأمین شود، قبول کردم.

شوهر با اتهام قتل همسرش روبه‌رو شد / مرگ معمایی زن تهرانی در خانه پراز گاز!

آبگرمکن اعلام کرده بودند ولی خانواده پریسا می‌گفتند چطور ممکن است در این خانه فقط پریسا دچار گازگرفتگی شده باشد و به کام مرگ فرو برود؟
پرونده، جنایی شد
بدین ترتیب رسیدگی به این پرونده در شعبه دوم دادسرای جنایی تهران به جریان افتاد و شوهر پریسا تحت بازجویی قرار گرفت. او در مورد شرح حادثه گفت: «من و همسرم در خانه تنها بودیم. او قبلاً از خواب بیدار شد و دوش گرفت و زودتر از شب‌های دیگر خوابید. بعد از خوابیدن همسرم به پارکینگ خانه‌مان رفتم تا ماشینم را بشویم. وقتی به آپارتمان برگشتم احساس سرگیجه کردم و حالت کمی بد بود اما موضوع را زیاد جدی نگرفتم و خوابیدم. ساعت ۷ صبح روز بعد با حال بد از خواب بیدار و متوجه شدم همسرم هم حال خوبی ندارد. باورش برام سخت بود که او جانش را از دست داده باشد. بدنش سرد بود اما گمان می‌کردم حالش بد شده است و موضوع را به اورژانس اطلاع دادم.»
شوهر پریسا در ادامه گفت: «زمانی که اورژانس بالای سر پریسا رسید، گفتند حدود ۸ ساعت از مرگ او می‌گذرد. خیلی شوکه شده بودم. می‌گفتند گازگرفتگی باعث مرگ همسر من شده است. زمانی که به حمام رفته بود آبگرمکن دچار نقص شده و وقتی به پارکینگ رفتم سطح مونوکسید کربن به حدی بالا



شوهر با اتهام قتل همسرش روبه‌رو شد

گازگرفتگی مرگبار زن جوان کافی بود تا خانواده‌اش انگشت اتهام را سوی دامادشان بگیرند و او را قاتل دخترشان معرفی کنند. به گزارش «ایران»، ۳ سال از مرگ هولناک پریسا می‌گذرد؛ از آن روزی که به یک خواب ابدی فرو رفت و وقتی شب با پای خودش در بسترش آرمید، صبح روز بعد پیکر بی‌جان او را در بستر بیرون کشیدند و راهی خاک سرد گورستان شد.
مرگ زن در گازگرفتگی
گازگرفتگی مرگبار زن جوان روز به بعد دیگر برای خانواده پریسا ۳۵ ساله فقط یک عبارت سهمگین نبود. این عبارت برای آنها تداعی‌کننده تلاشی شدن خانواده‌شان بعد از مرگ دختر جوان و سرزنده‌شان بود که با سن کمش سنگ صبور خانواده بود.
داماد، مقصراست
اما آنچه جرقه آتش این داغ را در قلب خانواده پریسا دامن می‌زد، این بود که آنها باور نداشتند گازگرفتگی خانه پریسا واقع در شرق تهران یک اتفاق بوده باشد و او همسر او به اتهام مباشرت در قتل عمده‌ی زن جوان از طریق تخریب عمدی آبگرمکن و انتشار گاز مونوکسید کربن شکایت کردند. کارشناسان آتش‌نشانی انتشار گاز سمی را به دلیل نقص